سامانه پیام کو تاه: ۳۰۰۰۰۹۷

• ما که نفهمیدیم ایسن مذاکرات به کجا

رسید. یک روز می گویند به هم خورد یک

روز می گویند همهچیــز آرومه. بالاخره چه خبر از مذاکرات؟

شهروند: بیخبری! شما چه خبر ؟!

• باور کنید کارکردن در برخی ادارات

یک امتیاز محسوب می شود فرقی هم نمی کند کارمند جزء باشی یا مدیر فقط

کافیه اداره شـــما بـــا اربابرجوع ســر و کار

داشته باشد آن وقت نانتان در روغن است!

شــهروند: بله بعضی ادارات سرقفلی

دارد تــازه در همــان ادارات هم ارزش

ی است باید مثل خیلی از جاهای دنیا . افراد فاسد را بدون توجه به مقام و موقعیت

به طـور علني مجازات كنند تـاجامعه باور

کنــد. دُر غیر این صــورت هیــچ کس این شعارها را باور نمی کند. شــهروند: بله اگر مبارزه با فســاد به

یک باور عمومی تبدیل نشود در یک

• شــرايط زندگي سـخت شــده چشم و

همچشـمی هم که بیـداد می کنـد ولی از طرفـی هم مگر واقعـا همه آدمهـا آن قدر

بــه در ک والایــی رســیدهاند که هــر آنچه

را می بینند نخواهند. همین شده است

ر گی.. یک مشــکل جدی بــرای خانوادهها. چقدر میشــود به یک نفــر گفت دلــت این همه

مظاهر تجمل و رفاه را که می بیند نخواهد؟

شــهروند: ز دســت ديده و دل هر دو

فرياد که هرچه ديده بيند دل کند ياد!

جدی بگیرند. باز فکر نکنند دو قطرہ باران

. آمد مشکلات حل شد. دور نیست روزی که

شــهروند: ما هــم خواهــش مىكني

همـه بحـران آب را جـدی بگیرنـد

ی رز ۔ برای یک قطرہ آب به انتظار بن

از مردم خواهش می کنیم بحران آب را

دور باطل گرفتار خواهیم شد.

سرٌ قفليها با هم متفاوت است! • به جای شعار مبارزه با فساد باید در عمل نشان دهند اگر واقعا مبارزه با فساد

پيام شهروند

داستانهای داوطلبانه

یتندسازی گزارشی دربارهميناتااجتماعينويسي منيروروانىيور



بايتخت، روشين شيد. شيعله هاي آتش ١۵٠

کارتن خواب بود که سهشنبهشب، زبانه کشید

و شب سرد پاییزی شان را روشن کرد، گرم کرد، به رسم سال قبل. آنها را موسسه خیریه

طلوع بي نشــان ها دور هــم جمع كــرده بود،

همان کارتنخوابها و معتادانی که شــبهای

سرد زمستانیشان، گرسنگی کشیدن هایشان

و بی جایی شــان کم نبـود. موسســه طلوع در یکی از سه شنبه شـبها، آنها را زیر پل ها، کنار

خيابانها و پارک ها و لابهلای خروار ها کارتن،

پیدا کرد. آنها حالا پاک شــدن را در شب سرد

پاییزی با روشن کردن مشعل به نمایش گذاشتند، شبی که برایشان تجربه سالها

زندگی در خیابان و پارک را تداعی کرد. امسال هم نمایش خیابانی کارتنخوابهای

بهبودیافته در میان تپههای بزرگراه ازادگان

برپا شــد، بیخ گوش همان کورههای آجریزی

که سر به آسمان کشـیدهاند. جایی که نشانی

از زندگی نــدارد، نه خانهای نه حتــی بیغوله و ر رسایی در این مرکز شهر. جایی در

محاصره تپههای خاکی. سال گذشته از لابهلای همین تپهها، کارتنخوابهای معتاد با شنیدن

صداى دعوت بهبوديافتهها بيرون آمدند وبراى

پاک شدن به موسسه طلوع پيوســتند. حالا

مســال همان ها، نمايش خيابانـــى برپا كردند.

اشک ریختند، دعا خواندند و یا حسین گفتند.

کپه های چوب خیسٌ شده با نفت و دالان های

چوبی منتظر آنها بود، منتظر مشعلُهایشان تا

پوچی منصر مه بود. شب را روشین کنند و دل کارتن خوابهای منطق و را گرم. آنها یک به یک با مشیعلهای

برافروختهُشــان از زير دالانها گذر مي كردند

. کپههای آتش را هم روشن. دور هم حلقه زدند، چرخیدند، آنها گذشتهشان را دور زدند.

نوای نے، دف و تار نمایش شـان را همراه

می کرد، گروه موسیقی در وصف امام علی(ع)

بزرگتر از ۴ ریشتر اما سازمان مدیریت بحران کشور دیروز آنچه در شبکههای اجتماعی دست به دست

میشود از جمله نامه آماده باش سازمان ها را تکذیب کرد و گفت آنچه در شــبکههای اجتماعی منتشر

اجتماعی پیغامی مبنی بر این که «مروز ســاعت ۵ بعدازظهر در کار تابل شهرداری پیغام محرمانهای از

سازمان مديريت بحران براي ٢٢ منطقه شهرداري

به تهران اعلام شده با این مضمون، گسل تهران

حرکت کرده است و ۲ روز پشت سر هم جنوب تهران زلزله خفیف آمده است. امشب و فردا امکان

وقوع زلزله تا بیش از ۴ ریشتر وجود دارد... هماینک برای کلیه شهر داری های تهران آمادهباش اعلام شده

است.»احمدصادقی، رئیس سازمان پیشگیری و

مدیریت بحران شهر تهران در بے انتشار پیام هایے در

شبكههای اجتماعی مبنی بر وقوع زلزله در پایتخت

گفت: هیچ زلزلهای تهران را تهدید نمی کند و وقوع

به این نوع پیغام های غیر رسمی توجه کنند و تنها

مشدارها درخصوص زلزله را مركز ژئوفيزيک تهران

مىتواند اعلام كند. او ادامــه داد: پيش بينى زلزله از

زمينلرزه قابل پيش بيني نيست. شهروندان نبا

ده واقعیت ندارد. در روزهای آخیر در شبکههای

الان که دارم این یادداشت را مینویسم، میخواهم وم ســینما. آخر، فیلم مستند «گزارشــی درباره روم د ىينا»در ھشتمين جشنوارەبين|لمللى فيلممس ايران «سينماحقيقت» امش ستند «گزارشسی درباره مینا» به کارگردانی کاوه مظاهری روایت سیزده روزاززندگی روزمرهمینانز خیابان خواب در محلهای قدیمی در تهران است رویای داشتن یک زندگی معمولی را دارد. او در پار ک در کنار خیابان خوابهای دیگر و سگهایش، یک خانواده را تشکیل داده و با آنها زندگی میکند. فیلم روایت سیزده روز از زندگی یک زن خیابان خواب در ایام عید نوروز است. کار گردان که می خواسته ر مورد اعتياد فيلم بسازه رفته و در مورد انسانيت ــاخته. او داوطلبانه خودش را در م قرار داده که بتواند وجوه انسانی و مادرانه بسیاری از

کارتن خواب های زن را به تصویر بکشد! لابد می پرسید که چطور شد که به این جا رسید؟ كارگــردان مىگويد ســال ١٣٨٩ بــا خانم فاطمه مزیزی، در زمینه اعتیاد به صورت کتابخانهای و میدانی تحقیق می کر دیم. تـــوی تحقیقات، با مینا روبەرو شىدىم. بار اول كە مىنــا رااز دور دىدم، فكر كردم كە يك مرداست؛ توى يك خرابە با چندنفر دیگر نشســته بُود. ما رفتیم طَرفـشــان و ســلام و علیک کردیم. مینــا به ما گفت «بفر ماییــد تو» در صورتی که نه خانهای وجود داشت و نه مفهوم رایج سرری - - -- ای بر - -- ای بر - --- - و میز بردی «تو» و «بیرون» آنجامعنی داشت. جایی که مینا در آن زندگی می کنداصلا دیواری ندارد. انگار در آن خرابه، مینا برای خودش خانهای خیالی ساخته بود و همین مسأله باعث شــد که بین آن همه آدم، من ر یشتر روی مینا تمرکز کنم. من در مورد یک آدمی ۹۰ سم مینا که در خانهاش زندگی می کندواین خانه یک خانه خیالی است فیلم ساختم. در واقع مینابرای - می مخودش یک چهار دیواری فرضی قایل بود.من هم به خاطر این که نگاه مینا را به رسمیت بشناسم، برای دوربینم حریم تعریف کـردم. به خاطر همین یک سـری دیوار ذهنی برای خودم در نظر گرفتم و گفتم تاحدممكن دوربينم نبايداز اين ديوار هابيرون برود و هر وقت مینا از خانهاش بیرون رفت، دوربین من هم بيرون مي رود... فكر كردم اگر قرار باشد در مورداعتیاد فیلمی بسازم، کار عبثی کردام چون خیلی هاقبلااین کار را کردهاند.بنابراین سعی کردم روی اصالت شـــخصیت وزندگی مینافوکوس کنم، مثل همان خانهای که وجود ندارد، روابط اجتماعی مینا،مادرانگیش و...مهمترین چیز برای من فردیت ینابودنه لزومایک زن معتاد ومشکلاتش بااعتیاد. بلهٔ این فیلم مستند که کلیدش سال ۸۹ خورده ودحالابه بار نشســـته اســت. حيف اســت که آدم جُتماعیٰنویسٌ باشد، آن هم در پشت میز روزنامه! یا اجتماعی گو باشد، آن هم در تریبون کلاس درس ۔ دانشـــگاه! یا برنامەریـــز اجتماعی باشــد، آن هم در پستوی جلسات طولانی و بورو کراســی حاکم! یا.. حالا که ماز حمت نمی دهیم به خود که لحظهای از نازدیک با مشکلات و مصایب اجتماعی آشنا شویم، یکی که آمده و این کار را داوطلبانه انجام داده و وقت ، و پول گذاشته و فکر و روحش را گرو گذاشته باید به استقبالش رفت و برایش به احترام برخاست، حتی اگر فیلمش فیلم خوبی نشده باشداو مگر ستندسازی خوب و بد دارد؟مستند مستند است. یک ورق از زندگی روزمره انسان ها و جمادات است. مستندساز شــاید چیزهایی می بیند که من و شما نمی بینیم! ناخودآگاه یاد کتــاب «کنیزو» و کتاب َکُولِی کَنَار آتش»می فَتم. کولی کنار آتش داستان دختری کولی (چادرنشین) به نام «آینه» است که طی سفری اودیسه وار از جنوب ایران به پایتخت میرودو مشابهتهایی با سفر خود نویسنده دارد. اجتماعی نویسی که در خیابان هاخوابیدواز انسانیت ، وِآرزوهای خوددفاع کرد.خودش می گفت: خواندن؛ وشـــتن رفتن به شهرســتانها، دهات؛ دهکورهها وأرزوهاي بای صحبت مردم نشســتن باز نوشــتن و خواندن ناســتان تازه از تنور درآمده برای اولین کســی که مے دیدم. اکبر رادی گفته بود: زنی آمدہ که وحشی ى - ١ - ١٠ روى توجه به حرف ها و حديث ها... عشق به نوشتن مرا در مقابل خشــونت كلامي ضد ضربه مىكرد. پا پتى دويده بودم تو بسـاط همه. ديوانهوار مىنوشتم و مىخواندم برايشان عجيب بود شايد. تا چاپ کنیزو همه یک جور میخواستند ببینند که من چه میکنم وقتی به کارم ادامه دادم حملهها شروع شد البته نمى دانستم چرا بعضى ها به جاى گير دادن به من نمى روند كار خودشان را بكنند.. گاهى نوک دشنه تا اعماق وجودم مى رفت اماباز بلندمی شـــدم. ولی خـشــونت.های کلامی و روحی روانی بیشتر از جانب کسانی بود که حراف بودند نه خلاق.چیزی تولیدنمی کردند کسانی هم بودند که ارزش کار را میدانستند. به خصوص وقتی متوجه می شدند که نوشتن برای من وسیله ای برای رسیدن به چیز دیگری نیست و خود نوشتن هدف من است فهمیدند که من بانوشــتن قصد دلبری ندارم نه می خواهم شــوهری پیدا کنم نه دوســـت ندارم نه می خواهم شــوهری پیدا کنم نه دوســت پسری و نه این که بروم روی صحنه نمایش بدهم.. بله اجتماعی نویســی، مستندسـازی و برش های واقعی زندگی مردم را دیدن هزینه دارد. حالا که هزینه هایش را کسان دیگری می دهند، لااقل برویم رېبېنيم،بگيريموبخوانيم.سينماحقيقت، حقيقت ناردلابدوحكايت كولى كنار آتش!هرچند كه كولى

سال هاستمهاجرت کرده...

اجرای نمایش خیابانی «نیمه بینشان من» در جنوب پایتخت

کارتنخوابهادر آغوش یک شب یاک **زهرا جعفرزاده|** ساعت از ۱۱ شب گذشته بود که جایی میان تپه های جنوبی ترین نقطه



زیاد ترانه خواند. رنج کار تنخوابی و اعتیاد روی م صورت هر کدام از آنها ردانداخته بود، چهرههای تکیه دو لاغر با دهان هایی که دندان هایش را همين موادمخسدر لق كسرده و انداخته بود نشانه شان بود. برخی هایشان هنوز با پاک شدن فاصله زیاد داشتند اما امید مانند همان مشعل ها، در دلشان روشـــن بود. از زیر دالان ها که رد شدند، به سمت بالای تپه ها رفتند، همان جا هم سرود «یاور زمســتونی من» را خواندند و بار دیگر پایین آمدند. دســتـهای سـرد هم ت از می استرد هم راً گرفتند و حلقهای بــزرگ زدند. همان موقع بود که چند کارتنخــواب دورافتادهترین محله

آزُادگان به جمع شان پیوستند، «سیروس» یکی از آنها بود. معتاد کارتن خوابی که نوای

شهر

نىشان را شنيده و شعلههاى أتش شان را ديده بود. برای او و تعداد دیگری از کارتنخوابهای همان منطقــه، برای خودشــان و یاورها که در آن ساعت از شب، همر آهي شــان كرده بودند، دعا خواندند و شعر سرودند. برای امید، پاکی، آرامش، زندگی و سُلامتی. امس،رید یی و سارمنی. نیمهشـب بود که با فروکش کردن شعلهها، راسمشــان را با در آغوش کشیدن یکدیگر به

یایان رساندند. سهشــنبه این هفته هم به رسم هشمنبه شمبها، یک وعده غذای گرم را میهمان موسسه طلوع شدند. اکبر رجبی، مدیر موسسه، تمامشب همراهشان بود. دعا بــرای کارتنخوابهــازیاد خواند، برای سـال آینده که بتوانند بار دیگر مراسمی برگزار کنند

و اینبار زنان کارتنخواب هـم آنها را همراهی ر ایند. زنانی که قرار است برایشان سرای مهر راهانــدازی شــود. او می گویــد: «ینجا محل زندگی برخیی از کارتن خواب هاست، آنها که سال گذشته به موسسه طلوع پیوستند، امسال به محل زندگی قبلیشان برگشتند تا با نمایش خیابانی شان نشان دهند، میتوانند پاک شوند و به بهبودی دست پیدا کنند.» به گفته رجبی، ین نمایش خیابانی به کار گردانی پریسا شاهی برپا شــد تــا کارتنخوابهای در گیـر اعتیاد،

جُذب موسسه شـوند. او امید دارد، روزی برسد که دیگر هیچ کارتن خوابی در گرمای تابســتان و سرمای زمستان، در خیابان ها زندگی نکند.

ای کاش میرزان حساسیت و مسئولیت پذیری همه ما به اندازه این شهروند گرامی بالاو جدی بود. از ماجرای اسیدپاشی اصفهان چه خبر؟
عاملان اسیدپاشی دستگیر شدهاند؟
شهروند: تا جایی که ما آگاهی داریم .تگیر نشدهاند. . • یک باران که می آید آشـغال از جوبها به سـطح معابر و خیابانها سرازیر می شود. آخه ایس که نه به دولت بستگی دارد نه به عوامل و ایسادی خارجی. خسود ما مُردم

-۱۰ ناسف دارد.

یم که رعایت نمی کنیسم واقعا جای شهروند: واقعا هم جای تاسف دار د.

جا ، جدما ، شمار ه ۴۴۳

سازمان مدیریت بحران شهر تهران هشدار برای زلزله را تکذیب کرد شايعهزلزلهتهراندرشبكههاىاجتماعي

ر دشده است امانباید مردم آمادگی خود احاظ علم رادر برابر وقوع زلزله از دست بدهند. زلزله یکی از ر در از را کرد کرد. مخاطراتی است که تهران را تهدیدمی کند. به گفته صادقی، در حال حاضر وضع غیر عادی وجود ندارد که براساس آن پیش بینی زلزله م گیر دو این نوع اظهار نظر ها تا : « نیست. او تأکید کر د كهاحتمال وقوع زلزله در تهران هميشه وجودداردو **شهر وند |**همه چیز از یک پیام کو تامدر شبکههای باید در برابر آن آمادگیهای لازم را داشت. به گفته نشهردارى هيچ پيغامي بااين مضمون صح اجتماعی شروع شد: «حتمال زلزله در تهران» و بعد ندارد و هیچ کدام از نیروهای شهرداری در آمادمباش برای مقابله بازلزله احتمالی به سرنمی برند. نامهای به نقل یکے از سازمان های زیرمجموعه شهرداری تهران که در آن خطاب به همه سازمان ها اعلام وضع آماده باش شــده بود. همه اينها شــايعه تازهای را درباره زلزله در تهران شکل دادهاند زلزلهای

يــروز محمدكاظم جعفرى، رئيس پژوهشــگاه بين المللي زلزله شناسي ومهندسي زلزله هم در ورداحتمال وقوع زلزلــه در تهران گفت که «وضع لرزهخیزی تهران نسبت به روزهــا، ماهها و حتی سال های گذشته هیچ تغییری نکر دهاست.»

به گفته او: «در چنین مواردی معمولااز ما انتظار میرود کے بگوییم چنیٹ زلزلغای نمی آیےد، اما هی همانطور که پیشینی وقوع زلزله در زمانی معین غیرعلمی است؛ گفتن این که در زمانی معین زلزله نمی آید، هم غیرعلمی است.» جعفری ادامه داد: «از نظر پژوهشگاه شرايط ووضع تهران با توجه به نتايج به دست آمده از شــبکه رفتارشناسی زلزله نسبت به هفته پیش، ماه پیش و حتی چندسال گذشته هیچ تغییری نکرده است.» به گفته او «البته تهران سابقه لرزه خیزی دارد و در آینده هم با این مسأله روبهرو خواهد بود، اما در مور د این که این اتفاق در دو رو: آرنده می افتد یا چند سال دیگر، قطعا نمی توان نَظُرىداد.»او در پاسخ به اين شبهه که گفته مي شود فعالیت برخی گســلهای تهران تغییر کرده است، گفت: شـبكه ما بهطور مداوم در حال مانيتور كردن فعالیتهای گسل های تهران است و ارزیابی های ما نشــان میدهد که هیچ تغییری در این گسل هارخ ندادهاست كهبخواهيم در مورد آنها هشدارى بدهيم.

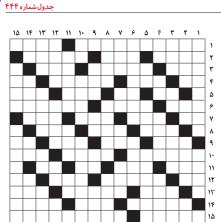
-عصر حجر قديم-نوعي تير جنگي - صر جبر جیها توجی بر جسی ۲-دست نوازشگر پدر بر سرش نیست-مهاجم تیمملی بیانیا که درچلسی توپ میزند-شهری در شمال عراق ۲- بول معتبر - نام دوازده تن از فراعنه مصر - ماهی که

- ۱۰۰ ۴ - مادر لر - معدن - کاخ روسیای جمهوری فرانسه - از مروفشرط ىروىخىرى ۵- فلز رىسانا-يار شـيرازى-زدن بىجــاى أن توليد لودگىاست-نظراتانتخاباتى ۴- شهر باران-سرماخوردگى-عصبى كەاز كمر تاكف بالمتداددار د ۷-قورباًغه-خاطِرو ذهن-جنين به وسيله آن تغذيه ى كند- پرداخت آن باعث تضمين روزى انسان شده و

٩-يك آذرى-سائل - ثامن الائمه-حرف توفير · · · منشأً أغلب چاقىھاست- فريادُ بلندُ-۔ نوشداروی

7٫۷ ۱۴-چارهوعلاج-دربازیمی گیرند-تجارت ۱۵-شــهرمازنی-منبع غنی کلسیم،منیزیم، تتودر تقویتحافظه مغیداست

ىاشنىڧسىنجان ۶-خلبان-جھان



فوتبالجهان ۹-مقابل ایجاب در منطق-خاموش فرنگی-خودروی

اً- تصديق آلمانــى- پيامبر زيبــاروى- بازيگر فيلم گلادیاتور

وظيفهانسانىواسلامىاست

۷-نقره-قدم یکپا-چوب خوشبو-چهارشاخ خرمن بر /-سازمان هواو فضاى آمريكا-عدد دورقمى-آقاى گل

کاروان-شیشهآزمایشگاه

میپور ۱۱-نوعیانگور-زیانرساننده-تکرارحرفآخر ۱۲-تبعیدگاه ابوذر-نوعیخاک رس-بز کوهی-عد

یمی ۱۳-بدبـوی پرخاصیت-سـلاح خطرنــاک-عمو[.]

دانه کسی از از بیان از میلی از از قران-منجی عالم بشریت ۱۵-مرکز مرکزی-کمک به انان در معابر عمومی

هان-ناچيز ۲- اويتامين جدولي-قوتدادن و ياري کردن-شــهر بفرانسه-واحدوزن سنتی ایرانیان ۱۳-بندگاه میان ساعد و بازو-رودی در استان فارس-ىبفرانسە-واحدوزن

نزایش قدرت عضلاتی واستخوانی می شود - دنباله فشنگ ۲ - آتش ایرانیان باستان - گاهی نماز را باطل می کند. وان-عددیکرقمی ۳-خردو کوچک-همراه کارتونی پت-نام گلی است-ئمانگ

۔ ص ۵-علامت مفعول-محصول اســتراتژیک کشورمان·

ناهان انسان هم پاکمی شود گناهان انسان هم پاکمی شود رامگاه حضرت آدم – لوله غذا

بامدردهاست . ۱۱-میدانی در تهران-از صنایع دستی کرمان-دور

سودی ۱- به علت تحریک ماهیچهها و اســـتخوان ها س

۴-دریا-ذات و شخص- پول واحداروپایی-نوعی پارچه